

۱۱) اگر دیوان علان شود حکم را به هر دلیلی نقض کنند
(غیر از عدم صلاح و نقص تحقیقات)

پرونده برای رسیدگی به شعبه هم عرض ارسالی شود

محکم است مجدداً حکمی مانند همان حکم قبلی صادر کنند (در اصراری)

اگر تمام ضرائبی شود به این پرونده می رود به یکی از شعب دیوان

یا حکم اصراری را ابرام می کنند به نهایی می شود
شعبه دیوان - یا حکم اصراری را ابرام نمی کنند

پرونده می رود به دبستان عمده شعب صوتی دیوان

عُمریت حکم امراری را ابرام است - نهایی شود

عُمریت حکم امراری را نقض کرد

پرونده می‌رود بجه هم عرض سوم -

۴.۸

ملک است از استدلال دست‌گیری بقیه کند

(۱۲) نقض بلا ارجاع

در سرداری دیوان عالی لغو - رای را نقض می‌کند

ولی سی از نقض رسیدگی مجدد نیاز ندارد.

① جای که دلیل خرابی ضوابط مغایرت ۲ را برساند،

ادعا { وحدت موضوع
وحدت سبب
وحدت اسباب }
۲ آثار مختلف صادر شود

رَأْسُ مَرْفُوعِ الصَّوَرِ نَقْصٌ بِإِجْرَاعِ مَا سُوِّدَ.

(۲) اِنْ بَقِيَ مِنْ رَأْسٍ خَارِجٍ اِزْوَاسَةٌ فَمَلْعَانٌ بَابُ سَدَ

هَمَانِ بَقِيَ نَقْصٌ بِإِجْرَاعِ مَا سُوِّدَ

{ ۲ اِنْ غَايِرَ صَارَ سَدَ	{ مَرْفُوعِ دَامِدِ (ضَائِعَاتُ يَمَانِ) بَابِ دَامِدِ (مُنْثَنَاتُ يَمَانِ) اَلْحَمَابِ دَامِدِ	* صَفَارِتُ ۲ رَأْسِ دَعَا ۲ بَارِ مَطْعِ سَدَ

۲ اثر غایب

از بند دارگاہ صادر شدہ

فرجام یا اعادہ داری

از ۲ دارگاہ مختلف ہے فقط فرجام ضوائی

منظور از بند دارگاہ ہے یک سبب یا در سبب عم عرض از بند حوزہ قضای

تساوی فرجام ضوائی شود کہ حکم مؤخر الصدور نقض بلا ارجاع

حکم اول جب سرور

ابام یا نقض

اگر بدلیل
خاریت احکم

تساوی اعادہ داری شود کہ فقط حکم دوم
نقض ہو شود کہ حکم اول سر جانی

جبات اعتراض برآر
 - فرجام
 ماده ۲۷۱
 ماده ۲۴۸ جبات تمثیلی
 اعاده دادرسی ماده ۴۲۹

↓ جبات حصری

در دادخواست تجدیدنظر و فرجام نیازی به ذکر جبات نیست
 در اعاده دادرسی باید حسب اعاده دادرسی در دادخواست درج شود.

اگر در دادخواست تجدیدنظر یا فرجام جبات ذکر شود

↓
 دارگاه مکدر به این جبات نیست و به سایر جبات نیز
 مهت اندر رسیدگی کنند.

اما در اعاده دادرسی جبات که در دادخواست درج شده،

دارگاه نمی تواند به سایر جبات رسیدگی کند.

اعادہ داری مادہ ۴۲۶

① فقط سب بہ احکامِ قطعی

② ریش عدلی ← دادگاہ صادر کنندہ حکم قطعی

نقہ ۱۰ صادر کردن در بارہ بحال نقہ

③ مہات اعادہ داری خاص حصی - دادگاہ نمی تواند برود

سراج سالر مہات

طرق عامی { و اضافی }
تجدید نظر } - اثر انتقالی دارد.

فرجام ← اثر انتقالی ندارد

اعادہ داری {
اعراض ثالث } - اثر انتقالی محدود بہ بحال مہات
صرد اشارہ

واضوای خارج از موعد

مَرَامَبُولی

اعاده داری

بعد از نته عم رادخواست ، قاضی ابتدا بررسی می کند آیا در دادخواست
اعاده داری ، جهات اعاده داری وجود دارد یا نه ؟

بله وجود دارد مَرَامَبُولی اعاده داری
قابل اعراض نیست - ابداع نمی شود ^{تا با دعوت از طرفین به اعاده}
دادرسی رسیدگی کنند

نه وجود ندارد - دادگاه مَرَامَبُولی رد دادخواست اعاده داری

صادر می کنند
صبر سر در می توانند قابل اعراض جا ابداع می شود
باشند

اعاره داری عام - آیین داری نغری
↓
اکام صلی

جارات ما برت نا پذیر
سایب حیات، شلاق، قلع و سنا، قلع و سنا
رأر مدت درج
با وصول اعاره داری - سعه بری اولیه می کنند، اگر مدافعت بود
مزار کومت اقرار حکم صلی کنند،

مانون کاستی مجازات جس و تفری



اگر مجازات جس داری مدافعت و مدافعت
دارگا، ممکن است به مدافعت رأر بدسد
اگر می خواهد بدین از مدافعت رأر بدسد باید در رأر دلیل را بدسد
کلف انتظامی درجه بم

والا
از حیات اعاره داری

در کدام یک از مجازات‌های زیر، با وصول تقاضای اعاده داد، سه و پذیرش اولیه آن، صدور دستور توقف

اجرای حکم الزامی نیست؟

(۲) مجازات‌های بدنی

(۴) قلع و قمع بنا

(۱) سلب حیات

(۳) حبس ابد

۶۴- چنانچه دادگاه در حکم صادره مجازات را بیش از حداقل مجازات مقرر در قانون تعیین نماید، به کدام مجازات

محکوم می‌گردد؟

(۱) صرفاً در خصوص مجازات حبس و در صورتی که علت صدور حکم به بیش از حداقل را ذکر نکند، به مجازات انتظامی درجه چهار محکوم می‌شود.

(۲) در کلیه مجازات‌ها، چنانچه علت صدور حکم به بیش از حداقل را ذکر نکند، به مجازات انتظامی درجه چهار محکوم می‌شود.

(۳) در کلیه مجازات‌های تعزیری، چنانچه علت صدور حکم به بیش از حداقل را ذکر نکند، به مجازات انتظامی درجه چهار محکوم می‌شود.

(۴) در کلیه مجازات‌های تعزیری به مجازات انتظامی درجه پنج محکوم می‌شود.

① موضوع حکم ، مورد ادعای خوانان بوده

خواننده اعلام بطلان قرارداد - دادگاه ژانر به انشای داده

② بیش از خواننده

خاتم تحریریه - ... اسکنه -
... دادگاه به ... اسکنه حکم کرده

③ استدلال در حکم بابت عدم حمایت ندارد

... مستند بطلان قرارداد / حکم به تأیید منع داده

در دادگاه نه
حق با خوانان

در صورت موضوع
در صورت ب

④ در ژانر مفایر

در دادگاه به حکم بی حقی
در صورت احوال

⑤ علیه رقیب مؤثر در حکم دادگاه

⑥ صلی بودن اثبات شود - سند مستند حکم دادگاه

⑦ سند ملتم

که در بیان داری ملاکیم شده بود

الان پیدا شده

در اعاده دادرسی دلیل جدید نمی پذیریم .

اعراض ثالث

که شخصی به جزء اصحاب دعوا نیست و تا تم تمام اصحاب
دعوا جمع نبوده، سه می تواند به رأس صادره اعراض کند.

آیا داری، حق اعراض ثالث دارند؟ حق حق ندارند

مگر داری مستلاً برای فردی حق مائل باشند به عنوان
درایت

در این دادرسی - اعراض ثالث محلت ندارد

در دیوان عدالت اداری

اعراض ثالث - محلت آراء

از تابع اطلاع ثالث از رأی

اعراض ثالث در دادگاه صادر شده رأی

حکمی از دادگاه بدوی صادر شود

↓
کبد نظر ضامی می کنند - کبد نظر خواه دادخواست خود را پس می گیرند
دادگاه کبد نظر - قرار ابطال دادخواست کبد نظر

اعراض ثالث { - دادگاه بدوی
اعاره داری

اغراض ثالث - ضانده
 حکمی است
 فاضلان { دعوت اولیه
 ضانده

مکرم له و مکرم علیه

از مقررین ثالث فقط اسم مکرم علیه را بنویسید
 و از عدم استماع صادر می شود.

* اثر تعلیق در طرق حکایت از اثر (۴۲۴، ۳۸۶، ۴۳۷)

① در حکم در تعلیق، نه دافضانی نه کبدیه نظر
 اثر تعلیق ندارد.

{ دافضانی
 کبدیه نظر
 - اثر تعلیق دارند

② اصراً در احکام ۳ گانه تصرف

دافضانی اثر تعلیق دارد

کبدیه نظر دافضانی اثر تعلیق ندارد.

③ در دافضانی خارج از موعده خود دافضانی خارج از موعده - اثر تعلیق ندارد.
 و از قبلی دافضانی - فقط اجرا را مدفع کنند مگر بر مبنی شریعت
 قبل

در فرجام به مرتبه تقدم دادخواست فرجام اثر تعلیمی ندارد.

حکم مالی به دادگاه صادر شد. راز فرجام ضايع

محکم است اجرای حکم را منوط به پرداخت
نمی‌تواند

تأمین توسط محکوم به کند.

حکم غیر مالی به دادگاه صادر شد، حکم فرجام ضايع

محکم است از حکم علیه (فرجام ضايع) تأمین بکند
و اجرا را به تأثیر می‌اندازد.

در حکم طلاق - اجرای حکم منوط به نهای شدن
(طلاق عود حرجی)

صدر حکم زجایی
یا پایان کلت زجام ضامی

طلاق به درخت زوجه

کواسی عدم امکان سازش
ادبار حکم منوط به قطعی شدن

به درخت مرد
مردانسی

اعمال رکالت

در اعاره داری به صرف تقدم دادخواست از تعلیق ندارد.

↓ خراج قبلی اعاره داری از تعلیق دارد.

ع حکم مالی باشد - دادگاه با اخذ تأمین از محکوم له نه تراند
حکم را اجرا کند

ع حکم غیر مالی - اجرا موقت است
به معنی قبلی اعاره داری - اجرای حکم غیر مالی

اعراض ثالث در ۳ با هم دادگاه قرار تأخیر اجراء حکم صادر کنند
برای مدت بیش قابل عدید.

مروط

① عرض ثالث در خواست کنند

② تأمین مناسب بپارد

③ دادگاه با تأخیر اجراء حکم موافقت کند (یعنی تقصیر بدهنده اجراء حکم
سبب ضرر غیر قابل جبران

فرجام تبعی: اگر یک رأس جزء علیه در یک از طرفین باشد.

هر کدام بخواهند نسبت به آن رأس فرجام بخواهند

یکی فرجام بخواهد که یکی نه

فرجام بخواهند در تبادل لواح

بخواهند به آن سمت از رأس

که مدافع حق ادست اعراض کنند

فرجام تبعی

فَرَجَامِ بَعِي هُ حَزِينِ دَادِ فَضْلَتِ كَسْرِيَّاتِ
ندارد

بَاغِ از ابداعِ
دادِ فُضْلَتِ فَرَجَامِ

عِلَّتِ هُ عِلَّتِ تَبَادُلِ لَوَاعِ

در ضمن لایِه دُناعیه هُ اعلامِ هُ سودِ
اَرَزِ فَرَجَامِ اَمَلِ پَسِ رُزْنِ سُوْدِ یا به مردِ دِلِ رِیْدِی سُوْدِ
به فَرَجَامِ بَعِی حَمِ رِیْدِی نَمِ سُوْدِ

اَمَرِ فَرَجَامِ ضَاانده در لایِه فُردِ تَقاضِ فَرَجَامِ بَعِی کُند

مُبدَأِ به فَرَجَامِ ضَوَاهِ اِبْداعِ هُ سُوْدِ

و سَبادِ ۲۰ رُزِ دُفِ هُ دِسمِ یا سِجِ دِسمِ

حداوری ← رسته در توان دارد

↓ موافقت نامه داوری

① ← قبل از صحت افتد (شرط داوری)

② بعد از صحت افتد (مرداد داوری)

اگر رابع به افتد، طرح دعوا شده ← هم می‌توان
نوافت برداری کرد. (درجه حائل رسیدگی به دی تجدیدنظر)
واضعی، فرجام
تا قبل از قسم داری

اگر رسیدند در دیوان عالی شور ← دیوان آن را برای ارجاع
به داری نزد دادگاه صادر شده را فرجام خواسته می‌فرستد.

اگر رسیدند در دادگاه ← ما توان می‌کنیم برداری
دادگاه رسیدند را به داری ارجاع می‌دهد.

دادگاه، رسیدگی به دعوا را متوقف می‌کنند (مُرار تَوْصِیفِ داری)

ابداع زُائر دادر، اجبار زُائر دادر، ابطال زُائر دادر

↓ با معنی دادگاه ارجاع دهنده به داری است.

سُائر زُائر داور صادر شود به بعد از باطل شدن زُائر داور و قلیت آن

دادگاه رسیدگی خود را ادامه می‌دهد.

اصل داری پذیری

↳ موضوعات غیر قابل ارجاع داری

① خود دعوار درستی

دعوار متحق درستی با مدیران

نوسا مدیر تصنیف قابل ارجاع به داری

② امر لیزی صی جاعم قابل لذت

دی ضرید دزبان ناشی از جرم به همه جای توان به داری ارجاع دار

③ اصل نکاح، نسخ نکاح، طلاق، سب

حره، نفقه، تنسیم کره به قابل ارجاع به داری

مثل نسب قسیم، حکم رسد، حکم حج، حکم دست فرضی
قابل ارجاع به داری نیست

اشخاص ممنوع از داری

ممنوع مطلق

صی با کوان طری

نمی توان به عنوان داری تعیین کرد

* داری مطلق به قبول داری نیست

ولی اگر قبول کرد به اثر رسیدن عذر موجه داری کنند

یا در جلات صافرت خود یا از زنند

تا ۵ سال محرم از داری + جبران خسارت

ممنوع نسبی به دارگاه نمی تواند

با توافق به کوان به عنوان داری تعیین کرد

به قفات

کارمندان شاغل در محاکم

محبوسین

اشخاصی که به موجب مجازات بهی

از داری ممنوع اند

عندک بنی
 $\begin{matrix} 452 \\ 469 \end{matrix}$

452 ← ① قرارداد بنی ایرانی دیک خارجی سفید شده

همه شرایط باید ② در قرارداد شرط داری ← مقید (دارم شخص شده)

باشند ③ داور با طرف مقابل تابع یک ن دارد

X از داری ممنوع است و شرط داری هم باطل

ماده ۴۶۹ - دادگاه نمی تواند استخام زیر را به سمت داور تعیین کند
مدرس راضی طریقی

① کمتر از ۱۵ سال

② ذی نفع

③ فریب نپی یا سببی تا درجه ۲ از طبقه ۳

④ کسی که نمی گنیل یا وکیل یا مشاور یکی از اصحاب دعوا

⑤ کسی که خود یا همسر او وراثت یکی از اصحاب دعوا

⑥ در گذشته یا حال دادگاه گیری دارند دادگاه ها دارند

✓

① کارمندان دولت در صدها تأسیسات آنان

فرا بید داری

① تعداد داران به با توانی طریق

در ارسات لذت اند - ۲ نفر

هر کدام یک دار اختصاصی

انف هم با توانی (سردار)

اگر در بین دار به توانی ترسد

تحض متقاصی داری ، دار اختصاصی خود و سردار
باین رسید به اظهار نامه به طرف سابل
ارز محلات آر طرف سابل اندام نکر.

برای بین دار اختصاصی و سردار - مدد دارگاه
داگانی به صلاح رسیدگی به اصل و خوا را دارد

اگر درجانت نام داری لقب داور بر عده شخص ثالث

مقام نائب

برای لقب داور در عین سرازار
اگر شخص ثالث لقب داور نکند

مثل بیدیل

نام داور نوشته شده

اگر درجانت نام داری به صیغه است

داور نتواند یا نخواهد داری کند.

کذا داری زائل شود به دیر تقین داور
مذاکره

حالت داری

۱- تابع کرافق طرین

قطا با توانق طرین قابل عدید

۲- اثریات بودعم ۳ ماه ۹ روز

صی دار افتعاصی به صدرت کدجابه

قابل عزل نیست

با توانق، مردلوی قابل عزل است .
طرین

دار می تواند به انگار، سردید، ادعار صل رسیدگی کند

اما اثر ادعار صل باقیین جعل - عین کیزی

دار نمی تواند به مین کیزی است .

دارمی نداند کفّی کل، معانی کل، ارجاع به کارشناسی
در صورت ضرورت

استماع چهارست سهود نمی تواند

* اگر در جریان رسیدگی داور

① موضوعی پیشی آید که توسط داور قابل رسیدگی نیست

+ مثل / اسرار کثیره
اصل نکاح، طلاق، نسب

② گوییم در رسیدگی داور مؤثر باشد.

داور مغلّ رسیدگی را تا صدور و ابلاغ رای نهایی صوّف راند

ابلاغ رئیس دادر

تابع سرانست نامه

در صورت سکوت

دلگامی که به داری

ارجاع داده

دادر رئیس خود را به دادگاه مکمل و دستور

دارگامی که صلاحیت

رسیدن به اصل دعوا را دارد

اجرا به محکوم علیه ، باید رؤس دادر را ظرف ۲۰ روز از ابلاغ
اجرا کنند .

در غیر این صورت ، محکوم له می تواند از دادگاه تقاضا
صدر اجرائیه و اجراء رؤس دادر

رؤس دادر

↓
تابع ثانون اجراء
اکلام بدنی
قانون عده اجراء
مملکت ماریالی

اطفال رؤس دادر

له محکوم علیه ظرف ۲۰ روز از ابلاغ

دارعالت اطفال رؤس دادر (صغیر دعوار)
اعراض به رؤس دادر (غیر مالی)

اثر خارج از مملکت دارعالت بدنه

دادگاه ترار رد صادر می کند علی است

رُأْر داری مایل کبیر نظر و فرجام نیست

مرغاً از جانب محکم علیہ ہے مایل اصطلاح

از جانب ثالث ہے قائل اعراض ثالث
↓ هر دو دارگاه
~~بستی کلورنه~~

خود رُأْر دار و قائل کبیر نظر نیست
ولی حکم دارگاه سنی بر مطلقان رُأْر دار
قائل کبیر نظر

* آیا اعراض به رأی داور اجرا را موقوف بدارند

① اگر اعراض به رأی داور به عمل آمده

اگر دادگاه دلائل اعراض را قوی بداند

قرار توقف اجراء رأی داور می دهد

نظر تأمین انزای نیست - دادگاه میتواند تأمین بلیت
در صورت اقتضا

حالت دوم
اگر دادگاه بدوی حکم به طلعان رأی داور بدهد

که با حکم بدوی مطلقاً اجراء رأی داور
موقوف می شود.

حالت سوم
اگر دادگاه بدوی حکم به طلعان رأی داور ندهد و از آن بجهت نظر قضایی
مستور - دادگاه بجهت نظر اگر دلائل اعراض را قوی بداند، قرار توقف

اجراء رأی
صادر بدارند

دعوایی در دادگاه عمومی اقامه می‌شود. خواننده در هیچ یک از جلسات دادرسی حاضر نشده و لایحه نیز تقدیم نکرده است. دادگاه حکم به بی حقی خواهان صادر می‌کند و ذیل رأی، آن را قطعی اعلام می‌نماید، اما محکوم علیه، در مهلت مقرر، از آن تجدیدنظرخواهی می‌کند. در خصوص تکلیف دادگاه نخستین، کدام مورد صحیح است؟

- (۱) فقط اگر دعوی غیرمالی باشد، باید قرار ردّ دعوی تجدیدنظر را صادر کند و قرار قابل تجدیدنظر است. ✗
- (۲) باید قرار ردّ دعوی تجدیدنظر را صادر کند و قرار قابل تجدیدنظر است. ✗
- (۳) نمی‌تواند قرار ردّ دادخواست و یا دعوی تجدیدنظر را صادر کند. ✓
- (۴) باید قرار ردّ دعوی تجدیدنظر را صادر کند و قرار قطعی است. ✗

عذر دارگاه بدوی نمی‌ترازد

رأی داوری صادر و به محکوم علیه ابلاغ می‌شود. به درخواست محکوم له، اجرائیه نیز صادر و ابلاغ می‌گردد. چنانچه محکوم علیه به رأی داوری اعتراض کند، کدام مورد صحیح است؟

- (۱) اعتراض مانع اجرا نیست، مگر آنکه دادگاه قرار قبولی اعتراض را صادر کند. ✗
- (۲) اعتراض مانع اجرای رأی داور است، مگر آنکه دادگاه با اخذ تأمین مناسب از محکوم له، دستور ادامه عملیات اجرایی را صادر کند. ✗
- (۳) اعتراض مانع اجرا نیست، مگر آنکه دلایل اعتراض قوی باشد و دادگاه قرار توقف عملیات اجرایی را صادر کند. گرفتن تأمین از معترض، الزامی است. ✗
- (۴) اعتراض مانع اجرا نیست، مگر آنکه دلایل اعتراض قوی باشد و دادگاه قرار توقف عملیات اجرایی را صادر کند. در صورت اقتضا، تأمین مناسب از معترض اخذ می‌شود. ✓

